



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۲۷	تاریخ	۱۴۰۰/۰۸/۲۳
عنوان ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات				
عنوان ۲	مبحث هفتم: علم اجمالی				
عنوان ۳	حجیت علم اجمالی در مقام امثال				
عنوان ۴	مبحث سوم: امثال اجمالی در عباداتی که موجب تکرار می شود				
عنوان ۵	وجوه لزوم امثال تفصیلی				
عنوان ۶	چهارم از وجوه اشتراط امثال تفصیلی				
عنوان ۷	رد وجه چهارم				

بیان آیت الله حائری در توضیح پاسخ دوم مرحوم آخوند

وجهی را آیت الله سید کاظم حائری رحمته الله در توجیه لعب به امر مولا در کیفیت اطاعت بیان می کنند؛ یعنی در حقیقت این وجه را در توجیه کلام مرحوم آخوند بیان می کنند که مرحوم آخوند فرمودند لعب در اینجا، لعب به امر مولا نیست بلکه لعب در کیفیت اطاعت است لذا وجهی برای بطلان آن وجود ندارد زیرا به هر حال امر مولا مورد استهزاء قرار نگرفته است.

جناب آقای حائری می فرمایند ما می توانیم مقصود مرحوم آخوند را اینگونه توجیه کنیم که اگر در خود اتیان امر مولا عبث و لعبی انجام می گرفت، این لعب به امر مولا بود؛ اما اگر مکلف در اتیان امر مولا، قصد قربت دارد و به قصد امثال امر مولا اقدام می کند و اینکه لعب یا عبث در حصه امثال اجمالی باشد، ضرری به قصد قربت و صحت عبادت نمی زند؛ زیرا اصل اتیان، اتیان به قصد امر است. این اتیان به قصد امر مولا، دو کیفیت دارد: یک کیفیت امثال تفصیلی است و کیفیت دیگرش امثال اجمالی و به تکرار است. اگر امثال اجمالی، لعب به امر مولا باشد، این مضر به قصد قربت به اتیان نیست و قصد قربت به اتیان امر مولا انجام گرفته است. کلام مرحوم آخوند به تمام این وجوهی که بیان شد، قابل تفسیر است.

اشکال بر کلام مرحوم آخوند

در اینجا ممکن است اشکالی به کلام محقق آخوند وارد شود بدین نحو که: مقصود از لعب به امر مولا این است که وقتی مولا امر به چیزی می کند، همانگونه که نقیصه مضر به امثال است، زیاده آوردن نیز مضر به امثال است. امثال به این است که عبد، همان که مولا به آن امر کرده را بیاورد؛ اضافه آوردن و کم آوردن، نوعی استهزاء به امر مولا است و امثال اجمالی، نوعی زیاده آوردن از چیزی است که مولا به آن امر کرده است.

پاسخ اشکال

در پاسخ به می‌گوییم آنچه حق اطاعت مولا اقتضاء می‌کند، این است که عبد، از دایره امر مولا خارج نشود؛ یعنی آنچه را که مولا گفته انجام بده، انجام دهد و آنچه را گفته نکن، نکند. شخصی که برای امتثال امر مولا، دو فعل انجام می‌دهد که می‌داند یکی از این دو فعل، کاملاً مطابق با امر مولاست؛ اصلاً این دو فعل را انجام می‌دهد تا یقین حاصل کند آنچه مطابق با امر مولاست را انجام داده است و این منتهای عبودیت است؛ نه خروج از حق اطاعت مولا و نه خروج از دایره امر و نهی مولا.

این مطلب، مطلب اساسی است که حق اطاعت مولا، یعنی حق اطاعت فرمان او. تجلی مولویت مولا، در امر اوست. اگر عبد از دایره امر مولا خارج نشده و آنچه مولا امر کرده را انجام داده و آن را امتثال کرده، چه لعب به امر مولایی وجود دارد؟ اگر هم عمل را تکرار می‌کند، به قصد احراز آن چیزی است که مولا به آن امر کرده است؛ یعنی برای احراز امتثال مولویت مولا و انطباق با مولویت مولا تکرار انجام می‌دهد.

اما اینکه گفته شود که این شخص متمکن از علم تفصیلی است؛ چرا با علم اجمالی امتثال کرده است؛ جوابش، پاسخ اول مرحوم آخوند است که کلام متینی است که فرمودند اگر داعی عقلایی در این تکرار وجود داشته باشد، اشکالی ندارد. به عبارت دیگر: ترک امتثال تفصیلی، داعی عقلایی دارد؛ و داعی عقلایی آن یا صعوبت علم تفصیلی است و یا زمان، تحصیل علم تفصیلی را اقتضاء نمی‌کند.

بله اگر موردی است که مثلاً مجتهدی قادر به علم تفصیلی است و بلکه علم تفصیلی بدست آورده است و با دلیل رسیده به اینکه حجت این است که باید نماز خود را به صورت قصر بخواند؛ اگر این حجت، حجت علمی قطعی باشد؛ امتثال اجمالی در اینجا، بدون اشکال نیست و این لعب به امر مولاست و اگر هم لعب به امر مولا نباشد، حداقلش این است که فعل عبث است. البته اگر با قصد امتثال امر، چنین کاری کند؛ که حرام است؛ زیرا تشریع است و اگر به قصد احتمال بخواند، که فعل لغوی است؛ زیرا چنین احتمالی وارد نیست.

اما اگر علم قطعی برای او قائم نشده؛ بلکه برای او حجت ظنی قائم شده - مثل فتوای مجتهد و خبر واحد - و جای این احتمال هست که احتمال بدهد تکلیف او، غیر از مؤدای اماره است، در چنین موردی نیز تکرار، لعب به امر مولا نیست و می‌تواند احتیاط کند؛ زیرا احتمال اینکه مأمور به غیر از این باشد وارد است؛ در نتیجه امتثال اجمالی عقلایی می‌شود و اشکالی ندارد.

هرجا که علم به تکلیف پیدا کردیم و این تکلیف ما، مردد بین دو شیء بود، مورد از موارد وجوب امتثال اجمالی است. این همان بحثی است که در آینده در بحث علم اجمالی به تکلیف به آن خواهیم پرداخت؛ اکنون در علم اجمالی به امتثال بحث می‌کنیم.

پاسخ دیگری بر وجه چهارم

پاسخ دیگری بر مشکل لعب به امر مولا وجود دارد که پاسخ نقضی است و اینکه شما در توصیلات که معتقدید امتثال اجمالی قطعاً مجزی است، و اگر تکرار در عبادت، لعب به مولا باشد، تکرار در توصیلات نیز لعب به امر مولاست؛ مثلاً در جایی که شخص نداند که کدام یک از دو پیراهنش نجس شده و با اینکه می‌تواند سوال کند و علم

تفصیلی حاصل کند، هر دو پیراهن را می‌شوید؛ در چنین موردی قطعاً لعب به امر مولا نیست و مستشکل نیز این اشکال را در توصیلات بیان نکرده است؛ لذا اگر از صرف تکرار، لعب به امر مولا لازم آید، فرقی بین تعبدیات و توصیلات وجود ندارد؛ و شما در توصیلات قائل نیستید که تکرار امر برای امثال امر مولا، موجب لعب به امر مولاست، پس چرا در تعبدیات چنین باشد؟

تعبدی بودن که موجب لعب به امر مولا نمی‌شود؛ آن چیزی که [به قول شما] موجب لعب به امر مولا می‌شود، تکرار است، که اگر تکرار به امثال و امثال اجمالی منشأ لعب به امر مولا باشد، در توصیلات نیز این امثال اجمالی و تکرار وجود دارد و شما در آنجا قائل به این نیستید که این تکرار، لعب به امر مولاست.

بنابراین، در امثال اجمالی، لعب به امر مولا وجود ندارد؛ چه در توصیلات و چه در تعبدیات.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین